

وزارت امور داخله:

برنامه حمله شبیه کندز به کابل شایعه است

یک آگاه سیاسی: فعالان مدنی، سیاسی و رسانه‌یی مورد هدف آی‌اس‌آی و شبکه حقانی قرار می‌گیرند



صفحه ۶

دو جنرال پاکستانی فرماندهی طالبان را در نبرد غزنی بر عهده دارد

طالبان صبح روز دوشنبه (۲۰ میزان) یک حمله گسترده‌یی مشابه ولایت کندز را از چندین استقامت بالای مرکز ولایت غزنی انجام دادند. منابع امنیتی در غزنی می‌گویند، بیش از ۲۰۰۰ طالب مشمول اتباع خارجی در این حمله اشتراک داشته‌اند. یک مقام امنیتی زون جنوب شرق به روزنامه ماندگار گفت که حمله طالبان با تمام توان دفع شده و بیش از ۹۶ طالب در این حمله کشته و زخمی شده‌اند و نیز یک میل دهشکه، یک عراده موتر نوع تونس و سه عراده موتر سایکل دشمن، تخریب شده است. در این عملیات تمام ارگان‌های امنیتی، به ویژه منسویین قول اردوی ۲۰۳ تندر شرکت داشته‌اند. محمدا مان حمیم والی غزنی می‌گوید که اطلاعات نیروهای کشفی نشان می‌دهد که دو جنرال پاکستانی به نام‌های حامد و ملا سعد، همراه شماری از فرماندهان طالبان افغانی که از ولایت‌های اطراف غزنی دور هم جمع شده‌اند، جنگ در برابر نیروهای دولتی در غزنی را رهبری می‌کنند. وی می‌افزاید که نیروهای طالبان و گروه‌های مسلح ترک و ازبک، بدون برنامه‌ریزی و فرمان جنرالان پاکستانی هیچ کاری از پیش نخواهند برد. اما والی غزنی به مردم اطمینان می‌دهد که این ولایت هرگز سقوط نخواهد کرد و نیروهای امنیتی تمامی حملات طالبان را دفع خواهد کرد. از سوی دیگر، محمدعلی احمدی معاون ولایت غزنی می‌گوید که جهت جنگ تغییر کرده است و در نتیجه مقاومت در پاسگاه‌های حومه شهر، بمباردمان قوای هوایی و آتش توپخانه ارتش، ۱۱۳ طالب کشته و زخمی شده و شماری دیگر از اعضای این گروه دستگیر شده‌اند. در حال حاضر زنده‌گی مردم در شهر به حالت عادی برگشته است و بازارها و دکان‌ها و کوچه‌ها دوباره شلوغ و پررفت‌وآمد شده‌اند.

اتحادیه‌های صنفی خبرنگاران: هر گونه حمله بر رسانه‌ها، جنایت جنگی شمرده می‌شود



صفحه ۶

حنیف اتمر به سفیر مسکو در کابل:

به کمک‌های نظامی روسیه و دیگر کشورها نیازمند هستیم



مبارزه با تروریسم آماده هر نوع همکاری با حکومت وحدت ملی است. این دومین دیدار رسمی سفیر روسیه در کابل طی هفته جاری با مقامات عالی‌رتبه حکومت وحدت ملی برای بحث و گفت‌وگو پیرامون مسائل جاری منطقه‌ای و امنیتی در افغانستان است. مانتیتسکی یکشنبه هفته جاری در دیدار با صلاح‌الدین ربانی وزیر امور خارجه...

ادامه صفحه ۶

مشاور روابط بین‌الملل شورای عالی صلح:

فشارهای خارجی دلیل همکاری پاکستان در مذاکرات صلح افغانستان است



مشاور روابط بین‌الملل شورای عالی صلح افغانستان اقدام اخیر نخست‌وزیر پاکستان مبنی بر اعلام آمادگی اسلام‌آباد برای میانجیگری در مذاکرات صلح افغانستان را تحت فشار کشورهای منطقه و جهان دانست...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



معمای جنگ در افغانستان و پاکستان



جایگاه هویت‌ها در گفت‌وگوهای اسلام‌گرایی معاصر



اسلام و تجدد



برای بیجا شده‌گان کندزی در بلخ کمک شد

محمد یحیی مسعود

معمای جنگ

در افغانستان و پاکستان



جنگ فرسایشی را برای طالبان فراهم نمود و این گروه موفق شد حملات هراس‌افکنانه خود را از جنوب به شمال کشور گسترش دهد. در پاکستان نیز بازی‌های بی‌پایان آی‌اس‌آی با طالبان و تروریسم باعث شد که آتش این معرکه دامن امنیت و ثبات این کشور را بگیرد و حوادثی خلق شود که از پیش‌بینی استخبارات پاکستان بیرون بوده است. طالبان و تروریستان توانستند با راه‌اندازی انفجارها و حوادث بزرگ و خونین در شهرهای پاکستان، بی‌نظمی و ناامنی را به این کشور نیز تحفه دهند و چالش‌های اقتصادی بی‌شماری را فراراه حکومت بگذارند. تیم ارگ و هواخواهان آن در افغانستان هنوز هم در پی توجیه خطاها و اشتباهات‌شان و ادامه راه غلط گذشته هستند و همچنان به این فکر می‌کنند که چه‌گونه می‌توانند از طریق تقلب، امتیاز دادن به طالبان، به تعویق انداختن پروسه توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی و انتخابات پارلمانی و بی‌اعتنایی در برابر موافقت‌نامه کابل و استخدام افراد ناشایست و وابسته مانند والی بی‌تجربه و خاین ولایت قندوز آقای صافی، به انحصار قدرت و تمامیت‌خواهی قوم‌محوران‌شان ادامه دهند. ملت و دولت پاکستان نیز هنوز هم در گرو آی‌اس‌آی قرار دارند و همچنان سازمان استخباراتی این کشور می‌خواهد با کارت طالبان و تروریسم در افغانستان آتش بیافریند و از دنیا باج بگیرد. انتظار می‌رفت که آقای غنی دیگر راه‌های به‌خطا رفته را تکرار نکند و در مشوره با مردم، احزاب سیاسی، پارلمان افغانستان و نخبگان کشور، راهکار موثر و عملی و نوینی را در مبارزه با تروریسم پی می‌گرفت؛ راهکاری که هم پاکستان را به انصراف کامل از بازی با طالبان وادار کند و هم از امضای معاهده‌های ننگین مثل دند غوری و حوادثی فاجعه‌بار مثل سقوط کندز جلوگیری کند. اما با تأسف که این «دومین مرد متفکر جهان (!)» نیز مغلوب ذهنیت قبیله‌بی شده است و بیم آن می‌رود که در ادامه برنامه «مخالف سیاسی» خواندن طالبان، تجزیه افغانستان را کلید بزند. در پایان یک بار دیگر تأکید می‌کنم: تا زمانی که پالیسی‌ها و صلاحیت‌ها در پروسه مبارزه با تروریسم، از انحصار قوم‌گرایان ارگ‌نشین در افغانستان و نظامیان بلندپرواز در پاکستان بیرون نشود، همه تلاش‌های ملی و بین‌المللی در مبارزه با طالبان و داعشیان در این دو کشور عقیم خواهد ماند!

دولت فعلی، حلقه‌بی که صداقت و اراده سیاسی دولت را در مبارزه با تروریسم زیر سوال قرار می‌دهد، عبارت از تیم‌هایی‌اند که از داخل ارگ رهبری می‌شوند و تمام اختیارات و صلاحیت‌های مبارزه با گروه‌های تروریستی را در انحصار خود گرفته‌اند و به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد گردید، اراده‌یی به مهار طالبان و باقی گروه‌های تروریستی ندارند:

- ۱- اتخاذ تصمیم خودسر در تعیین پالیسی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مبارزه با تروریسم این در حالی است که مبارزه با پدیده تروریسم و افراط‌گرایی یک قضیه ملی برای مردم افغانستان به شمار می‌آید و باید دولت افغانستان در حل‌وفصل قضایای ملی مخصوصاً پدیده تروریسم در مشوره با مردم، احزاب و ائتلاف‌های سیاسی و پارلمان افغانستان تصمیم بگیرد و به‌خاطر موثر بودن آن، نظر مردم را جویا شود.
- ۲- ارایه طرح‌ها و راهکارهای ناکام و تطبیق آن با استفاده از صلاحیت‌های نامحدود رییس‌جمهور این مسأله زمانی واضح می‌گردد که تمام سیاست‌ها و پالیسی‌هایی را که ارگ‌نشینان در مدت چهارده سال در قبال گروه‌های تروریستی به تطبیق گرفته‌اند، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم. تعریف‌های گنگ و مبهم از تروریسم، رهایی زندانیان طالب، صدور فرمان قطع بمباردها و هوایی و قطع عملیات‌های شبانه بر طالبان، درخواست حذف نام‌های سردرسته‌های گروه‌های تروریستی از فهرست سیاه، برادر خواندن و مخالفین سیاسی خواندن گروه‌های تروریستی، تفاهم با طالبان در ولایت لوگر و امضای معاهده ننگین دندغوری، امضای تفاهم‌نامه امنیتی با سازمان استخبارات پاکستان، خلع سلاح بی‌موقع مقاومت‌گران و ده‌ها مورد دیگر، در مجموع سیاست‌هایی‌اند که در مدت این چهارده سال به اجرا گذاشته شده‌اند. از آنجایی که از طالبان تعریف‌های مبهم و مغایر ماهیت اصلی‌شان ارایه شد، راهکار و برنامه‌های مبارزه با تروریسم و افراطیت از مسیر اصلی منحرف شد و در مدار قوم‌پرستی و تیم‌محوری قرار گرفت. امتیاز دادن‌های بی‌معنا و مکرر به طالبان و چشم‌پوشی از جنایات و توحش آن‌ها، نه طالبان را به میز مذاکره نشانده و نه همکاری صادقانه پاکستان را سبب شد. برعکس، به طالبان مشروعیت و مصونیت بخشید و آی‌اس‌آی با استفاده از فرصت، به حمایت خود از گروه‌های تروریستی و بازی با آتش آن‌ها ادامه داد. این فضا و حالت، زمینه

پدیده تروریسم در هر کشوری کم‌وبیش نظر به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور وجود دارد. در کشورهایی که دولت‌مداران شایسته و دل‌سوز حاکم‌اند و از این رهگذر، اقتصاد و سیاست بابت دارند، تروریسم کمتر مجال رشد دارد و تهدیدی جدی برای نظام‌ها تلقی نمی‌شود؛ اما در کشورهایی که از عدم حکومت‌داری خوب و به تبع آن، بی‌عدالتی و مداخله کشورهای خارجی رنج می‌برند، زمینه رشد تروریسم فراخ است و به‌آسانی می‌تواند امنیت، ثبات و تمامیت ارضی آن‌ها را به چالش بکشد.

در پاکستان و افغانستان علاوه بر عوامل یاد شده، عامل اصلی رشد تروریسم؛ بی‌صداقتی و بی‌اراده‌گی سیاسی حلقات و تیم‌های خاص و مقتدر در هر دو دولت است که در تعیین استراتژی مبارزه با تروریسم، تمام صلاحیت‌ها و اختیارات را در انحصار گرفته‌اند و از گروه‌های تروریستی به حیث ابزار کسب منافع سیاسی و مادی‌شان بهره می‌جویند. به همین علت، گروه‌های تروریستی در پاکستان و افغانستان رو به تکثیر نهاده‌اند و مهار آن‌ها ناممکن شده است، و مسلماً تا وقتی که این نقیصه رفع نگردد، هر نوع تلاش برای مهار تروریسم چه در سطح کشور و چه در سطح منطقه و بین‌الملل به مقصد نخواهد رسید.

این تجربه پس از چهارده سال مبارزه با تروریسم در افغانستان و پاکستان به‌دست آمده است که باید مورد توجه دولت‌های پاکستان و افغانستان، کشورهای منطقه و جهان قرار بگیرد و مهم‌تر از همه، باید الهام‌بخش مردمان دو کشور برای شروعی تازه در مبارزه با تروریسم طالبی و داعشی قرار گیرد.

این حلقه خاص در دولت پاکستان، همانا سازمان استخبارات آن کشور آی‌اس‌آی است که در تنظیم، تجهیز، تمویل و آموزش گروه‌های افراطی نقش اساسی ایفا می‌کند. آی‌اس‌آی از الف- پیشبرد سیاست خارجی دولت پاکستان از طریق خشونت در قبال کشورهای منطقه به‌خصوص افغانستان و کشمیر؛

ب- حفظ و ابقای نفوذ و سلطه جنرالان در دولت پاکستان در برابر احزاب دموکرات آن کشور؛

پ- حصول میلیون‌ها دالر تحت عناوین مختلف از منابع مختلف مانند ایالات متحده، کشورهای عربی و ...

اما در دولت پیشین افغانستان و همچنان

سخن ماندگار

چرا اشرف غنی

«ستون پنجم» را مشخص نمی‌کند

این روزها بیشتر آگاهان مسایل سیاسی، از موجودیت ستون پنجم در دستگاه دولت سخن می‌گویند. این بحث هرچند از سال‌ها به این سو داغ بوده، اما با حوادث اخیر امنیتی در کابل و سپس سقوط شهر کندز به دست طالبان، یک بار دیگر «ستون پنجم» به عنوان عامل اصلی این همه رویداد بر سر زبان‌ها افتاده است.

ستون پنجم، یک اصطلاح سیاسی است که از زمان جنگ اسپانیا معروف شده است. ستون پنجم به گروهی از مردم گفته می‌شود که در نمان به تضعیف گروه بزرگتری که ظاهراً باید به آن وفادار باشند، می‌پردازند. اصطلاح ستون پنجم از نظر معنی و مفهوم مجازی همان «جاسوسی» است، منتها با این تفاوت که جاسوس به ضرر و زیان بیگانه کار می‌کند و نفع و مصلحت ملت و کشور خویش را ولو به قیمت جان از نظر دور نمی‌دارد، در حالی که ستون پنجم این معنی را افاده نمی‌کند؛ زیرا افراد این ستون، دانسته یا ندانسته، به زیان و ضرر خودی و نفع بیگانه‌گان کار می‌کنند.

در گذشته، بارها در ستون‌های مختلف روزنامه ماندگار از ستون پنجم در دولت گفته شده بود و زمانی هم حامد کرزی رییس‌جمهوری، بارها از موجودیت جاسوسان و یا همان ستون پنجم در بدنه دولت ابراز نگرانی کرد و فریاد زده بود که با جاسوسان برخورد جدی خواهد کرد؛ اما ظاهراً او موفق به شناسایی ستون پنجم در بدنه دولت خود نشد، چون تا پایان دوره مأموریتش حتی یک نفر را هم به اتهام جاسوسی به کشورهای دیگر مورد محاکمه قرار نداد و حتی نامی از چنین افراد بر زبان نیاورد.

برخی‌ها باور داشتند که آقای کرزی به‌خوبی این‌گونه افراد را می‌شناسد، ولی جرأت گرفتن نام‌های‌شان را ندارد. بالاخره معلوم هم نشد که چرا رییس‌جمهوری یک کشور از گرفتن نام جاسوسان این‌همه می‌هراسد! حالا نیز وقتی از ستون پنجم سخن گفته می‌شود، کسی نشانی روشن و واضح ارایه نمی‌کند. اعضای پارلمان از ستون پنجم می‌گویند، ریاست‌جمهوری از ستون پنجم می‌نالد و در مجموع، رسانه‌های کشور این روزها پُر از حرف و حدیث درباره ستون پنجم است. شاید افراد مشخصی به عنوان اعضای ستون پنجم در دولت مطرح شوند اما هیچ رسانه و فردی نمی‌تواند که بدون داشتن اسناد لازم آن را معرفی کند.

وقتی کندز سقوط کرد، اولین چیزی که به ذهن اعضای مجلس نماینده‌گان به عنوان عامل سقوط کندز خطور کرد، نقش ستون پنجم در این رویداد بود. ولی با گذشت نزدیک به سه هفته از این رویداد، هیچ نشانی‌یی به گونه رسمی از ستون پنجم در جنگ کندز داده نشده است و یا اگر مجلس نماینده گان والی کندز را یکی از اعضای ستون پنجم خواند ریاست جمهوری آن را قبول نکرد.

در همین حال، فراموش نباید کرد که جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست‌جمهوری نیز گاهی از موجودیت ستون پنجم به عنوان عامل ناامنی‌های شمال کشور سخن گفته بود، ولی وقتی از جنگ فاریاب برگشت، در پاسخ به سوال موجودیت ستون پنجم در دستگاه دولت، فقط گفت که خاموشی در این مورد هم یک نوع سیاست است و با همین جمله، از دادن نشانی ستون پنجم اجتناب ورزید. بارها استاد عطا والی بلخ نیز از حضور دشمنان و ستون پنجم در نظام سخن گفت اما از کسی نام نبرد. داکتر عبدالله هم گفت که جنایات طالبان از ستون پنجم توجیه می‌شود اما از کسی نام نبرد.

بنابراین از کارکردهای هر دو دولت دیروز و امروز بر می‌آید که ستون پنجم به شکل محکم در بدنه دولت وجود دارد و امروزه حتا جایش را به بخشی از دولت داده است. رویدادهای اخیر نشان می‌دهد که دشمن، در بخشی از دولت زیر نام‌های گوناگون سخت رخنه کرده و حالا دیگر ستون پنجم را نمی‌شود به ساده‌گی مشخص کرد.

اما رییس‌جمهوری مسوولیت دارد که برای شکستن اتهام‌هایی که هر روز مطرح می‌شود، باید اقداماتی را در زمینه انجام دهد. امکان ندارد که آقای اشرف غنی ستون پنجم را نشناسد.

این وظیفه رییس‌جمهوری است که وارد عمل شود و اقداماتی را به هدف شناسایی ستون پنجم روی دست گیرد. در غیر آن اتهام‌هایی که امروز برخی‌ها بر حامد کرزی وارد می‌کنند و بسیاری از رویدادهای اخیر را زیر سر او می‌دانند، فردا بر آقای غنی وارد می‌شود؛ چنان که همین روزها و در اوج بی‌اعتمادی میان شهروندان و دولت، با توجه به رویدادکنندز و رویدادهای دیگر، حتا برخی‌ها در سطح اعضای مجلس نماینده‌گان و برخی از تحلیل‌گران راس دولت و مدیریت سیاسی دولت را متهم می‌کنند و مورد اعتماد نمی‌دانند.

از این رو باید رییس‌جمهوری به این مهم بپردازد و در غیر آن قضاوت مردمی و اتهام‌های مردم که متأثر از برداشت‌هایشان از کردار مسوولان می‌شود، ایشان را بیشتر در مدار قرار می‌دهد.

برای بیجا شده گان کنذری در بلخ کمک شد



مبارزه با حوادث طبیعی نیز کمک‌های ضروری را در اختیار شان قرار می‌دهد. در مورد تعداد بیجا شده گان جنگ‌های اخیر کنذری آمارهای گوناگونی ارایه شده است؛ چندی پیش رییس شورای ولایتی کنذری، تعداد بیجا شده گان را نزدیک به ۳۰ هزار خانواده اعلام کرده بود؛ اما دو روز قبل وزارت مهاجرین افغانستان آمار بیجا شده گان را ۱۷ هزار خانواده اعلام کرد که در ولایت های تخار، بلخ، بغلان، سمنگان و کابل پناه گزین شده اند.

گرفته شده، اضافه کرد که بیش از ۲ هزار خانواده از ولایت کنذری به ولایت بلخ بیجا شده اند که نیاز شدید به کمک های اولیه دارند. در همین حال، عبدالصبور قادری رییس امور مهاجرین ولایت بلخ که در مراسم توزیع این کمک‌ها حضور یافته بود، می‌گوید که نزدیک به ۲۳۰۰ نفر از بیجا شده گان کنذری که جایی برای رفتن نداشتند، در اقامت‌گاه حاجی شهر مزار شریف اسکان داده شده اند که روزانه از سوی برخی از افراد نیکوکار مواد غذایی پخته شده در اختیار شان قرار داده می‌شود و موسسه «WFP» و کمیته

برای ۱۷۴ خانواده بیجا شده بر اثر جنگ‌های اخیر ولایت کنذری در شهر مزار شریف کمک‌های اولیه غذایی، بهداشتی، پوشاک و فرش و سایر لوازم ضروری توزیع گردید. مسوولان اداره کمیشنری سازمان ملل متحد در امور پناهنده گان در ولایت بلخ از توزیع دور دوم کمک‌های اولیه غذایی و غیر غذایی برای خانواده‌های بیجا شده ولایت کنذری در شهر مزار شریف خبر دادند.

آنان می‌گویند که در این دور، برای ۱۴۷ خانواده که در روزهای اخیر از سوی کارمندان این اداره شناسایی و ثبت نام شده اند، چندین قلم مواد کمکی توزیع گردیده و ممکن است در روزهای آینده نیز توزیع این کمک‌ها ادامه یابد.

آقای فهیم همدرد سخنگوی کمیشنری سازمان ملل متحد در امور پناهنده گان بیان کرد: کمک‌هایی که امروز (سه شنبه ۲۱ میزان) برای این خانواده‌های صورت می‌گیرد؛ شامل یک کیسه آرد ۵۰ کیلویی، ۵ کیلو دال نخود و ۲۵۰ گرم نمک برای هر خانواده از طرف سازمان مواد غذایی جهان (WFP) و مواد غیر غذایی آن که شامل بسته کمک‌های بهداشتی مانند صابون لباس شویی، صابون حمام، بورس و خمیر دندان، آفتابه، گوگرد، جان پاک و ناخن گیر می‌شود، به همراه یک بسته لباس زمستانی و کفش برای کودکان، فرش، کمپل، تشت لباس شویی، بشکه آب و پیک نیکگازی می‌شوند که از طرف موسسه حمایت کودکان ملل متحد در ولایت بلخ توزیع می‌گردد.

آقای همدرد با بیان اینکه این کمک‌ها برای ۱۷۳ خانواده بیجا شده که در نقاط مختلف شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ جابجا شده اند؛ در نظر

رییس جمهور غنی: باید زمینه رقابت سالم بازرگانی فراهم گردد



رییس جمهور غنی شام روز دوشنبه با شماری از تاجران و سرمایه گذاران کشور در ارگ دیدار کرد. در این دیدار، ابتدا خان جان الکوزی معاون اتاق تجارت و صنایع افغانستان و شماری از تاجران به نمایندگی از دیگران صحبت نموده، مشکلات و پیشنهادات شانرا مطرح کردند. براساس خبرنامه ارگ، رییس جمهور غنی طی سخنانی از تاجران و سرمایه گذاران خواست تا مشکلات و پیشنهادات شان را در یک چارچوب واضح به ریاست جمهوری بسپارند، تا در روشنی آن تصمیم لازم اتخاذ شود. همچنان رییس جمهور در این جلسه به مسوولین وزارت تجارت هدایت داد که پلان صد روز دوم کاری آن وزارت را آماده نمایند، تا برای مشکلات تاجران و سرمایه گذاران راه حل های مناسب جستجو گردد.

رییس جمهور گفت که سیاست اقتصادی حکومت این است تا افغانستان را از یک کشور وارد کننده به یک کشور صادر کننده مبدل نماید.

رییس جمهور افزود که باید زمینه رقابت سالم در فعالیت‌های تجارتي فراهم گردد تا در این عرصه شفافیت لازم به وجود آید.

رییس جمهور با اشاره به تشکیل شورای عالی اقتصادی گفت که این شورا در هفته‌های آینده روی مسایل عمده اقتصادی کشور بحث خواهد کرد. او افزود که تاجران و سرمایه گذاران می‌توانند بصورت دوره‌یی عضویت این شورا را کسب نمایند. رییس جمهور غنی گفت که در زمستان سال جاری تمرکز بیشتر ما روی مسایل اقتصادی خواهد بود و تلاش خواهد شد تا تسهیلات بیشتر برای سرمایه گذاران و بهبود وضعیت تجارت در کشور فراهم گردد.

رییس جمهور کشور گفت که تمام شرکت‌ها باید طبقه بندی شوند تا ظرفیت‌های کاری در آنها مشخص شود و نیز برای همه قرار دادها معیار های لازم باید در نظر گرفته شود.

رییس جمهور غنی در رابطه به راه لاجورد گفت که این مسیر یکی از راه‌های بزرگ تجارتي است که حدود ۷۰ درصد واردات از همین طریق صورت خواهد گرفت.

او افزود که با کشور همسایه ایران نیز روی مسایل امنیتی، تجارتي، مهاجرین و مبارزه با مواد مخدر صحبت گردیده است و این مذاکرات می‌تواند در بهبود اقتصاد کشور تاثیر بسزای داشته باشد.

نماینده دائمی روسیه در ناتو:

قندوز مانند دوش آب سردی برای مقام‌های ناتو بود

مقام‌های روسیه اعلام کردند که افغانستان نمی‌تواند به تنهایی در برابر گروه‌های تروریستی از جمله داعش قرار بگیرد. به گزارش اسپوتنیک، الکساندر گوروشکو نماینده روسیه در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) روز سه شنبه گفت که افغانستان نمی‌تواند بدون همکاری خارجی با گروه‌های تروریستی از جمله داعش مقابله کند.

گوروشکو گفت که نیروهای امنیتی عراق با توجه به حضور حدود چهار هزار تروریست داعش در این کشور، از جنگ با آنها ناتوان هستند.

وی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر نوشت: «قندوز مانند دوش آب سردی برای مقام‌های ناتو بود. شمار اندکی از شبه‌نظامیان کنترل شهر را در دست گرفتند و نیروهای امنیتی ملی با وضعیت دشواری روبه‌رو شدند. واضح است که بدون همکاری خارجی از حل بحران ناتوان هستند.»



نشست مشترک، در راستای مبارزه با موادمخدر در کابل برگزار شد



نشست مشترک وزرا و مسوولین مبارزه علیه موادمخدر، تحصیلات عالی، حج و اوقاف، امور زنان و صحت عامه در راستای مبارزه علیه موادمخدر زیر نام بسیج ملی علیه موادمخدر در کابل برگزار گردید.

این نشست به منظور هماهنگی و همکاری جوانان به ویژه دانشجویان در دانشگاه پزشکی کابل برگزار شد. سلامت عظیمی، وزیر مبارزه علیه موادمخدر در این نشست گفت: «امروز موادمخدر من حیث منبع ترویزم بیشترین قربانی بخصوص از قشر جوان کشور ما می‌گیرد.»

او راه اندازی برنامه بسیج ملی را در راستای مبارزه و محو موادمخدر در کشور موثر خوانده تصریح کرد: «جوانان باید رسالت خود را در راستای مبارزه علیه موادمخدر ایفا کنند؛ در حال حاضر ۱ و نیم میلیون جوان در کشور معتاد به مواد مخدر هستند.»

خانم عظیمی گفت: در راستای مبارزه علیه موادمخدر همه وزارت خانه‌ها در هماهنگی قرار دارد و این چهارمین همایش بزرگ ملی در این راستا می‌باشد و این روند در ولایات نیز راه اندازی می‌شود.

در همین حال، فریده مومند، وزیر تحصیلات عالی گفت: «مطمین هستم که این اقدام می‌تواند زمینه هماهنگی و همکاری بیشتر جوانان را در راستای محو کامل مواد مخدر فراهم می‌کند.»

او افزود که وزارت تحصیلات مسوولیت خود می‌داند که در این راستا از هیچ‌گونه سعی و تلاش دریغ نرزد؛ ما در مضامین درسی جدید خود در رشته‌های معین به اضرار موادمخدر و ضرورت مبارزه علیه آن تاکید می‌نماییم؛ تا بتواند زمینه‌های بیشتر را در راستای مبارزه با این پدیده شوم در

دانشگاه‌های کشور فراهم کند. همچنین ناحیه طارق، معین وزارت صحت عامه، می‌گوید که مشکل موادمخدر تنها در افغانستان نبوده؛ بلکه این موضوع مشکل جهانی و منطقه‌یی است.

خانم طارق گفت: «ارقام نشان می‌دهد که محصول تولید مواد مخدر در افغانستان بیش از ۹۰ درصد می‌باشد تا زمانی که تولید کنندگان در این زمینه آگاهی پیدا نکنند؛ دست از کشت و تولید موادمخدر بر نمی‌دارند.»

خانم طارق گفت که ۱۱۰ مرکز بهداشتی در سرتاسر کشور فعال است که سالانه ۲۵ هزار نفر معتاد به مواد مخدر، بستر و تداوی می‌شود.

دبیرکل سازمان پیمان امنیت جمعی:

مرزهای تاجیکستان با افغانستان تقویت می‌شود

دبیرکل سازمان پیمان امنیت جمعی (همسود) از تقویت مرزهای تاجیکستان با افغانستان توسط این سازمان خبر داد.

نیکلای باردووا دبیرکل سازمان پیمان امنیت جمعی دیروز در جلسه شورای این سازمان در روسیه اعلام کرد: سازمان امنیت و همکاری اروپا با همکاری سازمان پیمان امنیت جمعی می‌تواند کمک‌های لازم در زمینه تقویت مرزهای تاجیکستان و افغانستان را برعهده بگیرد.

باردووا در ادامه گفت: با توجه حوادث اخیر و درخواست تاجیکستان برای محافظت از مرزهای این کشور در مقابل شبه نظامیان افغانستان این درخواست پس از بررسی در بین اعضا مورد قبول قرار گرفت.

در این جلسه همچنین مسائل مربوط به ترانزیت غیرقانونی مواد مخدر در مرز تاجیکستان و افغانستان نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته شد.

به تازه‌گی فعالیت گروه‌های افراطی در مرزهای شمال افغانستان و هم مرز با تاجیکستان به شدت افزایش یافته است.

طالبان و دیگر شبه نظامیان شمال افغانستان هفته گذشته شهر قندوز در شمال افغانستان را تصرف کردند و پس از آن به سمت دیگر مناطق از جمله استان بدخشان و هم مرز با تاجیکستان حرکت کردند، این اتفاقات باعث شد تا «امامعلی رحمان» رییس جمهور تاجیکستان مذاکراتی را در این زمینه با رییس جمهور روسیه انجام دهد.

پس از این مذاکرات مسکو برای حمایت از دوشنبه تعدادی بالگرد نظامی به این کشور ارسال کرد.

برگزاری جلسه سازمان پیمان امنیت جمعی پس از این اتفاقات و در حمایت کشورهای آسیای مرکزی به خصوص تاجیکستان برگزار گردید.

در حال حاضر تاجیکستان تنها کشور عضو سازمان پیمان امنیت جمعی است که با افغانستان دارای مرزهای مشترک می‌باشد.

تاجیکستان با افغانستان هزار و ۳۷۰ کیلومتر مرز مشترک دارد که به دلیل وجود رودخانه موسوم به «آمودریا» و کوهستانی و صعب العبور بودن، حفاظت از این مرز طولانی، مشکل است.

سازمان پیمان امنیت جمعی در سال ۱۹۹۲ ایجاد شده و در حال حاضر روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ارمنستان اعضای آن می‌باشند.

بخش پنجم

جایگاه هویت‌ها در گفتمان

اسلام‌گرایی معاصر



خواجه بشیراحمد انصاری

آنچه به نام نهضت اسلامی افغانستان هم یاد می‌شود، با تمام شاخه‌هایش، تا هنوز نتوانسته است تصویری روشن از این بحران و راه حل‌هایی عملی برای برون‌رفت از آن طرح نماید. من تصور می‌کنم که اگر یکی دو تن از جوانان این جنبش که در سال‌های حکومت داوود خان اعدام شدند، زنده می‌بودند، شاید قدمی در این راستا برمی‌داشتند.

اگر فقه اسلامی استنباط احکام عملی از متون قرآن و سنت است، ما می‌توانیم مفهومی به نام "فقه هویتی" نیز داشته باشیم. اگر عدالت را جانمایه جامعه اسلامی بدانیم، عدالت هویتی هم می‌تواند عنوان این متن قرار گیرد.

اسلام از همان صبحدم دعوتش مشکلی با رنگ‌ها و زبان‌های مردم نداشته است. قرآن کریم در آیت ۲۲ سوره روم به صراحت اعلام می‌دارد: "ومن آياته خلق السموات والأرض واختلاف اللسانكم واللغاتكم، ان فی ذالک لآیات للعالمین" یعنی: "از جمله نشانه‌های قدرت او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شما است، در این امر نیز برای دانشمندان نشانه‌هایی است." این‌که قرآن کریم زبان و رنگ را در کنار امر بزرگی چون آفرینش آسمان و زمین قرار می‌دهد و سپس نظر دانشمندان را به آن معطوف می‌دارد، خود بیانگر اهمیت این نشانه‌ها در جوامع انسانی است. از نشانه رنگ چیزی نمی‌دانم، ولی به عنوان دانشجوی کوچک زبان‌شناسی همین قدر می‌دانم که جهان زبان‌ها خود معجزه‌هایی است شگفت‌انگیز که هر خردمندی را حیرت‌زده می‌سازد. به هر حال، چه کسی حق دارد یکی از این نشانه‌های خدا را نابود ساخته و مصادره نماید؟!

در زنده‌گی پیامبر اسلام ما با تخلص‌هایی روبه‌رو هستیم که بیانگر هویت یاران پیامبرند که سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی را همه می‌شناسیم. از جمله

تدوین‌کننده‌گان شش کتاب حدیث، پنج تن آن‌ها با هویت منطقه‌شان شناخته می‌شدند. در میان یاران پیامبر با گروه بزرگی از خراسانیان برمی‌خوریم که در رساله "اسلام و هویت ملی ما" از آن‌ها یاد شده است. این‌که چرا پیامبر هویت قومی و تمدنی این افراد را تغییر نداد، پرسشی است که پاسخ می‌طلبد.

یکی از مشکلات هویتی جوامع انسانی امروز، نادیده گرفتن اصل و نسب گروه‌هایی از مردم است. در جوامع اسلامی هم اگر این مشکلات بیشتر از جاهای دیگر نباشد، به هیچ صورتی کمتر نیست. در فقه اسلامی، ما بابتی داریم به نام "نسب" که به همین مسأله در سطح ابتدایی آن می‌پردازد. در عین حالی که نسب نمی‌تواند معیار فضیلت و ارزش باشد، ولی نسب انسان چه فرد است و چه گروه، در شریعت اسلامی قدسیتی دارد که نباید با آن بازی شود. قرآن کریم در آیت ۵ سوره احزاب می‌فرماید: "ادعوهم لأبائهم هو أفضل عندالله". یعنی: "آنان را به نام پدران‌شان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است." در این جا می‌بینیم که عموم لفظ این آیت، خطوط اساسی عدالت هویتی را مشخص می‌سازد. اما در رابطه با تغییر نسب‌های انسانی احادیث فراوانی آمده است که به عنوان نمونه می‌توان به نمونه‌های ذیل اکتفا نمود: در بخاری و مسلم آمده است: از انتساب به پدران‌تان رو مگردانید، هرکه چنین کند، در حقیقت کفر ورزیده است. کسی که به غیر از پدرش نسبت داده می‌شود و او می‌داند که آن مرد پدرش نیست، جنت برایش حرام است. در حدیث دیگری که ابودر روایت نموده و بخاری و مسلم آن را ثبت نموده اند، آمده است که کسی که به غیر از پدرش خود را به شخص دیگری پیوند می‌دهد درحالی‌که می‌داند [چنین نبوده] کفر ورزیده است، و کسی که خود را به قومی نسبت دهد که از آن گروه نیست، جایگاه او دوزخ خواهد بود. به هر حال، فقها و محدثان لفظ کفر در این احادیث را اشاره به بزرگی این گناه دانسته اند.

نکته دیگری که بازرگانان کوچه سیاست شب و روز مصروف نشخوار کردن آن اند، مفهوم "اکثریت و اقلیت" است. در ادبیات برخی از این تاجران سیاسی و قومی، لفظ "اقلیت" مفهومی منفی، زشت، بیگانه، و مغرور را تداعی می‌کند، و واژه "اکثریت" دارای بار حق و فضیلت و نیکی است. اگر بر دهان کسانی که ساجق اقلیت و اکثریت را می‌جویند لگام حق و عدل گذاشته نشود، این "حق" که بیشتر به قانون جنگل رابطه دارد تا به جوامع پیشرفته عصر ما، در تمام سطوح ملی، قومی، زبانی، قبیله‌یی و منطقه‌یی حتا تا سطح خانواده‌ها، خرمن هستی این مردم را آتش خواهد زد؛ چون همه ما در عین حالی که در یک جمع اکثریت هستیم، در جمع دیگری اقلیت خواهیم بود. این کثیر در تفسیر خویش از قناده و همچنان از این ابی حاتم و ایشان از ابوبریده روایت می‌نماید که دو قبیله "بنی حارثه" و "بنی حارث" با هم رقابت



"هویت ملی" ما به شمار می‌رود که باز کردن معمای آن کار دانشمندان راسخ است.

یکی از حقایق تاریخ سیاسی ما که هیچ خردمند با برویی نمی‌تواند منکر آن شود، ترادف واژه‌های "افغان" و "پشتون" است. اسناد و شواهدی که این ادعا را ثابت می‌سازد، بیشتر از آن است تا در این مختصر گنج‌انیده شود، اما در این جا به عنوان نمونه می‌توان به چند مورد اشاره نمود. محمود طرزی که معمار هویت افغانی است، خود بار بار در سراج‌الاکخبار افغانیه خویش "افغان" و "پشتون" و "افغانی" و "پشتو" را به صورت مترادف به کار برده است. خواننده گرامی می‌تواند به عنوان نمونه، به شماره دوم همان جریده مراجعه فرماید.

احمدشاه ابدالی در نامه‌یی عنوانی خلیفه عثمانی، سلطان مصطفی ثالث، که در آرشیف استانبول موجود بوده و متن و محتوی آن در سرطان سال ۱۳۴۶ خورشیدی زیر عنوان "نامه احمدشاه بابا بنام مصطفی ثالث عثمانی" با مقدمه‌یی از طرف عبدالحی حبیبی از طرف حکومت وقت افغانستان در کابل به نشر رسیده، هنگام صحبت از نادرشاه افشار گفته است: "... شجره استقلال تمامی سران و سرکرده‌گان ایالات و احشامات مملکت ایران را از پا در انداخته دست تعدی و جور بر ایل جلیل افغان دراز نمود" صفحه ۱۶ و ۱۷. در این جا دیده می‌شود که احمدشاه ابدالی از ایل و یا قبیله‌یی به نام "ایل جلیل افغان" یاد می‌نماید. ایشان در صفحات ۱۸ و ۱۹ و ۲۲ و جاهای دیگر نامه خویش به کرات از قبیله "افغان" نام می‌برند.

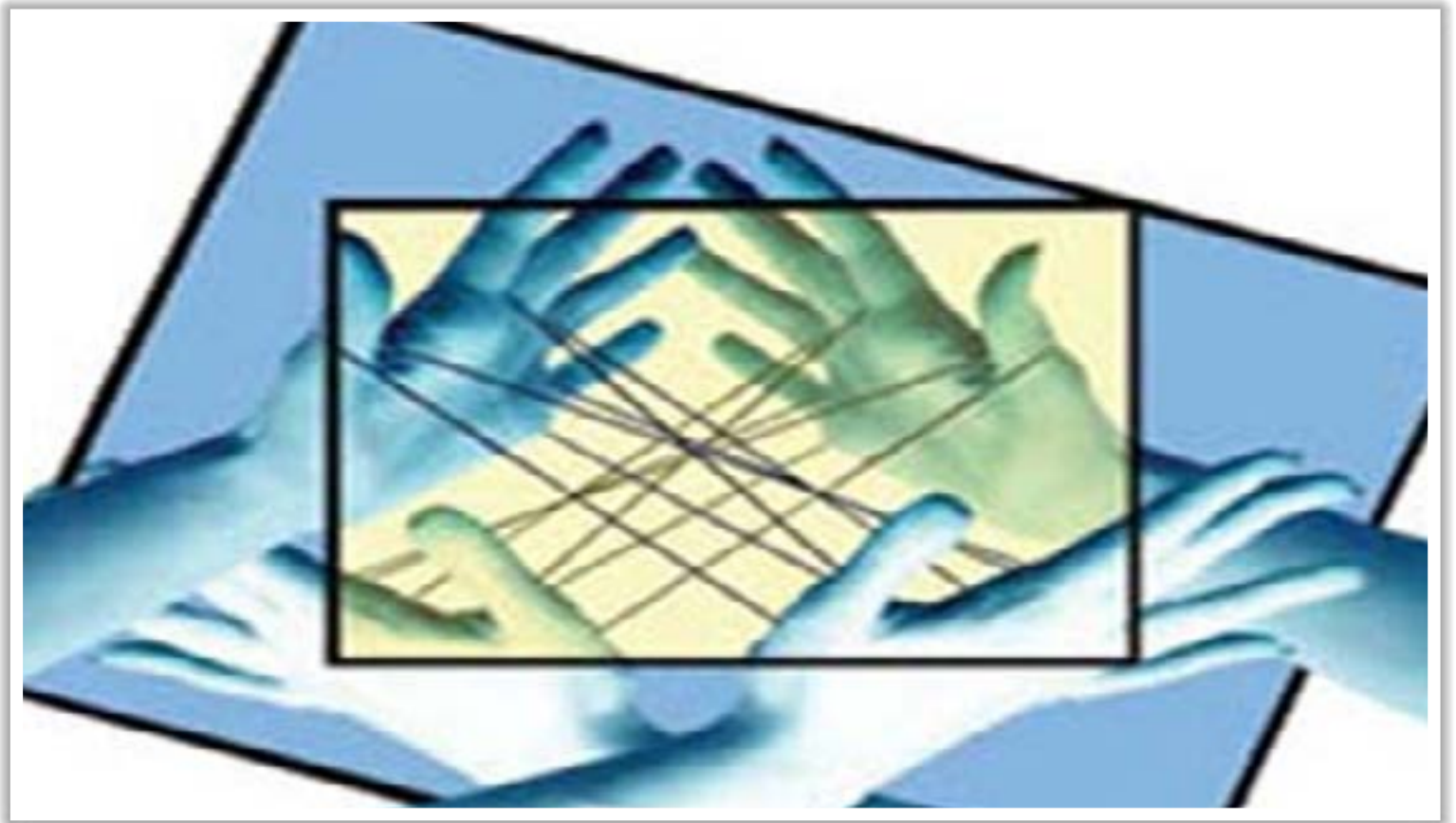
رساله "تنمه البیان فی تاریخ الأفغان" یکی از نوشته‌های علامه بزرگ کشور ما سید جمال‌الدین افغانی است که در سال ۱۹۰۱ میلادی، یعنی در آخرین سال زنده‌گی عبدالرحمن خان به شکل رساله‌یی کوچک از طرف "مطبعة الموسوعات" در مصر به چاپ رسیده است. سید جمال در فصل نخست کتاب خویش در مورد اصل، فصل، معنا، مبنا و ریشه لغوی و تاریخی کلمه "افغان" بحث نموده، می‌گوید: "مردمان فارس آن‌ها را «افغان» نامیده... فارسی‌زبانان عوام، آن‌ها را «اوغان» خطاب می‌نمایند... مردم هندوستان آن‌ها را «پتان» می‌نامند، بخشی از قبایل افغانی که در قندهار زیست می‌کنند، خود را «پشتون» و «پشتان» می‌نامند... و افغان‌هایی که در "خوست" و "کرم" و "باجور" می‌باشند، خود را "پختو" و "پختان" می‌شمارند."

علامه جمال‌الدین افغانی در صفحه ۱۹ کتاب خویش می‌گوید: "زبان افغان‌ها را پشتو می‌نامند."

داشته و هر کدام بر اکثریت بودن‌شان فخر می‌فروختند تا آن‌که به شمار کردن قبرهای گورستان هر قبیله پرداختند. همین جا بود که سوره "الهمک التکائر حتی زرم المقابر" نازل گردید. یعنی: "فخرفروشی بر بیشتر بودن، شما را غافل ساخت تا آن‌که قبرهای مرده‌گان‌تان را برشمردید."

یکی از عرصه‌هایی که در این نود سال اخیر شاهد کشمکش‌های زبانی بوده و از پنجاه سال بدین سو شدت حاصل نموده است، برانگیختن حساسیت در برابر فارسی بوده است. در این شکی نیست که برخی زبان‌های ملی ما چون پشتو و ازبکی و امثال آن نیازمند توسعه اند ولی این کار از راه فارسی‌زدایی و پاشیدن تخم تعصب و کینه نه ممکن است و نه هم معقول و منصفانه. جریان اسلام‌گرایی افغانستان باید بدانند که دو اصل اصیل و دو رکن رکنی که می‌توانند به عنوان اصول پایه‌های وحدت ملی در کشور ما قرار گیرند، یکی اسلام است و دیگری زبان فارسی. اگر این دو اصل را از این جامعه بگیریم، نمی‌دانم دیگر چه چیزی ما را شبیه هم نشان خواهد داد. زبان فارسی رشته وصل است میان همه ساکنان سرزمین ما از پامیر تا هلمند و نیمروز و از نورستان تا بامیان و بادغیس و جوزجان. باری گفته بودم که خدا را شکر گزاییم که در این سرزمین زبانی وجود دارد که رئیس جمهور و معاون اول و دوم‌شان می‌توانند بر مبنای آن با هم مفاهمه نمایند.

چند سال پیش در آن شب و روزی که سرود ملی کنونی را می‌ساختند، پیشنهاد کرده بودم که این سرود باید حداقل به دو زبان ساخته شود. این سخن از تعصب مایه نمی‌گرفت، بلکه پشتوانه آن عمومی بودن فارسی در میان ساکنان سرزمین ما از یکسو و جایگاه آن در قلب گنجینه ارزشمند فرهنگ اسلامی از سوی دیگر بود. من یقین دارم آن‌چه در حق این زبان صورت می‌گیرد، ادامه برنامه‌یی استعماری است که انگلیس‌ها در هند و روس‌ها در آسیای میانه آن را پیاده نمودند. اگر همه اعتبارات دیگر را یکسو بگذاریم و تنها به اصل "مصلحت" نگاه کنیم، درخواهیم یافت که دفاع از این گنجینه زبانی، وجیهه ملی همه ساکنان این سرزمین به شمار می‌رود؛ سرزمینی که گهواره نخستین این زبان بوده است. با تضعیف فارسی، زبان‌های دیگر ما نیز پشتوانه نیرومندی را از دست خواهند داد. سیاسی ساختن هویت‌های زبانی جنایت بزرگی در حق این هویت‌های طبیعی بوده است. در این شب و روزها خیلی از "افغانیت" یاد می‌شود تا جایی که منجر به بحران گردیده است. گرچه من یقین دارم هدف از این بحران‌آفرینی جلوگیری از توزیع تذکره و ثبت احوال جمعیت کشور است که شاید در آینده راه را به روی تقلب‌های گسترده ببندد، ولی این راه هم نباید فراموش نمود که واژه "افغان" از "مشابهات" کتاب



دکتر محمد امین احمدی
رییس و استاد دانشگاه ابن سینا

بخش نخست

برای یافتن نسبت اسلام و تجدد لازم است نخست معلوم کنیم که تجدد (مدرنیته) چیست و چه مولفه‌هایی دارد و سپس مراد خود را از اسلام مشخص کنیم. اما از آنجایی که روایت یکدست از اسلام وجود ندارد و یا دست‌کم در نسبتش با تجدد به صورت‌های متفاوت قابل صورت‌بندی است، لازم است چندین روایت مهم از اسلام و به‌طور خاص تلاش‌های تجددخواهانه در این زمینه را به اختصار معرفی کنیم تا بتوانیم زمینه‌ی مناسب برای فهم و درک نسبت اسلام با تجدد فراهم آوریم.

۱. تجدد

تجدد ترجمه مدرنیته و تجددخواهی و نوگرایی ترجمه مدرنیسم است. ویژه‌گی‌های مهم تجدد را تا جایی که من دیده‌ام، نسبت به هر عالم غربی و شرقی استاد مصطفی ملکیان با دقت هرچه تمام‌تر برشمرده است. او می‌نویسد: «من مانند بسیاری کسان دیگر، از تجدد مجموعه اوصاف و خصایصی را مراد می‌کنم که در تمدن جدیدی که در طی چندین قرن اخیر در اروپا و امریکای شمالی به ظهور پیوست، کمابیش حضور دارند. این اوصاف و خصایص عبارت‌اند از: ۱) شیوه‌ی نو و کارآمد برای مطالعه و تحقیق در باب عالم طبیعت، ۲) فناوری‌های ماشینی نو، ۳) شیوه‌های نو در تولید صنعتی، ۴) بالا رفتن سطح زنده‌گی مادی (که نتیجه سه وصف و خصیصه اول است)، ۵) سرمایه‌داری و بازار آزاد، ۶) مردم‌سالاری لیبرال، ۷) فرهنگ عمدتاً دنیوی و این‌جهانی، ۸) فردگرایی و حرمت به فرد و تفرد، ۹) عقل‌گرایی و تحقیق و برنامه‌ریزی عقلانی، و ۱۰) انسان‌گرایی.» (راهی به رهایی، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۰، ص ۳۵۵ - ۳۵۶) به تعبیر ایشان، این ده خصوصیت برای نخستین‌بار با هم در یک تمدن جمع شده‌اند و کنار هم نشسته‌اند هرچند پاره‌یی از این خصوصیات در گذشته نیز در تمدن‌های دیگر وجود داشته‌اند اما به این شکل به‌صورت جامع در یک تمدن جمع نشده بودند. به گفته ایشان، چهار خصوصیت نخستین به نحو بی‌سابقه‌یی در اروپای غربی و امریکای شمالی پدیدار شده‌اند. (همان)

از میان ده خصوصیت یادشده عقل‌گرایی، فردگرایی و لیبرالیسم، سکولاریسم و فرهنگ دنیوی و این‌جهانی، لیبرال دموکراسی (مردم‌سالاری لیبرال) و انسان‌گرایی (اومانیزم) سبب تفاوت عمیق، کیفی، فلسفی و اخلاقی تجدد با تمدن‌ها و سنت‌های گذشته شده‌اند و در واقع این دسته از خصوصیات همچنان‌که زیربنای فکری، فلسفی، معرفت‌شناختی تجدد را تشکیل می‌دهند، به همان پیمانه سبب می‌شوند که فکر کنیم با سنت از جمله با ادیان نیز متفاوت اند. بنابراین برای این‌که به فهمی نسبتاً واضح در خصوص نسبت تجدد و اسلام به عنوان یک دین نایل آییم، این خصوصیات را باید فهم کنیم.

۱.۱. عقل‌گرایی

عقل‌گرایی مدرن را می‌توان با بیان اوصاف و خصوصیات آن این‌گونه توضیح داد: باور به توانایی

اسلام و تجدد

فضیلت و کمال و بر طبق وجدان خویش و دیدگاه اخلاقی، فلسفی و دینی خود بتواند توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را پرورش دهد. خود مختاری فرد، به معنا و مفهومی که توضیح داده شد، سبب شده است که برای فرد جدا از حوزه عمومی و فارغ از آن یک هسته اساسی از حوزه و حریم خصوصی قابل باشد که در آن حوزه فرد طبق تشخیص و دریافت خود آزادانه عمل کند. در واقع علایق و خوشایندها و بدایندهای فرد و تصویری که از کمال و فضیلت دارد، جزو حریم خصوصی وی محسوب می‌شود.

لیبرالیسم رابطه نزدیک با فردگرایی دارد. در واقع لیبرالیسم مبنای فلسفی فردگرایی است که به عنوان یکی از مکاتب فلسفی و سیاسی برای فرد اصالت قابل است و به موجب آن، برای فرد حقوقی قابل است که اولاً بالذات واجد آن‌هاست. این حقوق شامل آزادی عقیده، بیان و عمل و آزادی از محدودیت‌های دینی و ایدئولوژیک است، قدرت و دولت و صلاحیت آن را محدود به این حقوق می‌داند. لیبرالیسم کوشش می‌کند این باورها را موجه و مدلل کند. نتیجه این نوع لیبرالیسم، مدارا و تساهل در جامعه و دولت در برابر نظام‌های اخلاقی و رفتاری متفاوت و گوناگون است و دولت نمی‌تواند نظام اخلاقی خاص ولو دینی را بر فرد و جامعه تحمیل کند. نتیجه لیبرالیسم در سیاست، حمایت از تحول و تغییر به صورت مسالمت‌آمیز است. همچنین خواهان برابری و لغو امتیازات مبتنی بر دین، نژاد، خون، جنسیت و مانند آن بوده و بر تأمین دسترسی برابر به فرصت‌ها تأکید می‌کند.

۳.۱. سکولاریسم

سکولاریسم و فرهنگ این‌جهانی حد اقل در عرصه دولت و حکومت‌داری به مفهوم تفکیک دولت از دین است. به موجب این برداشت، وظیفه دولت تحقق اهداف اساساً مدنی و این‌جهانی مردم است نه تعقیب و تطبیق آرمان، اخلاق و احکام دینی. دولت سکولار از سنخ لیبرال آن لزوماً نسبت به دین و اعتقادات دینی مردم بی‌طرف بوده و دین‌داری را نفیاً و اثباتاً خارج از حوزه مسوولیت خود می‌داند. در واقع به موجب این دیدگاه، دین‌داری جزو آزادی‌های فردی است که فرد بر اساس انتخاب خود آن را برمی‌گزیند و برحسب آن به زنده‌گی خود معنا می‌بخشد. بنابراین دولت سکولار از نوع لیبرال آن، بی‌طرفی خود را میان ادیان و پیروان آن‌ها و همچنین نسبت به افرادی که پیرو دینی خاص نیستند، حفظ و آزادی دینی را تأمین می‌کند.

۴.۱. اومانیزم

انسان‌گرایی (اومانیزم) در عرصه هنر و ادبیات به معنای اصالت دادن به هنر است از آن حیث که احساس، عواطف، درد و شادی انسان را منعکس می‌کند، از این جهت در برابر هنر دینی که هنر را محدود و مقید به دین و نمادپردازی دینی می‌کند، قرار می‌گیرد. انسان‌گرایی به‌صورت وسیع‌تر اصالت دادن به انسان است. در نگاه اومانیزستی، عواطف و خوشایندها و بدایندهای انسان اصالت دارد، ایجاد شادی و کاستن از رنج وی مهم‌ترین وظیفه اخلاقی محسوب می‌شود. مطابق این دیدگاه، انسان بیش از آن که مکلف باشد، ذی‌حق است. در واقع انسان‌گرایی حق‌محور است و بر حق داشتن قبلی و ذاتی انسان اتکا می‌کند تا مکلف بودن وی. همچنین این حق را تابع هیت ملی، قومی و دینی وی نمی‌داند، بلکه برای فرد مقدم بر هیت ملی، قومی و مذهبی و دینی‌اش حق قابل است. در نتیجه حقوق خود را از هیت خود کسب نمی‌کند، بلکه داشتن هیت مذهبی، قومی و ملی تابعی از حقوق ذاتی و فردی وی است.

۲. نوگرایی اسلامی و تجدد

حال با توجه به این خصوصیات که برای تجدد برشمردیم، باید دید چه نسبتی میان اسلام و تجدد می‌تواند برقرار باشد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم نیست روایت‌های بنیادگرایانه و سخت‌گیرانه از اسلام را با تجدد مقایسه کنیم؛ چون این روایت‌ها به صورت واضح تجدد را در برابر اسلام قرار می‌دهند. در نهایت هم اگر خیلی انعطاف نشان دهند، اقتصاد آزاد و تکنالوژی برآمده از تجدد را خواهند پذیرفت، نه زیربناهای معرفت‌شناختی، فلسفی و اخلاقی آن را. بنابراین، فقط کوشش می‌کنم تلاش‌های نوگرایانه نوگرایان و عقل‌گرایان مسلمان را که به نوعی در صدد ایجاد چارچوبی فکری برای روایتی از اسلام بوده‌اند که هم فهم و شناخت متون اسلامی را در در پر تو عقلانیت جدید ممکن کند و هم به نوعی نقدی بر تجدد نیز باشد، ارایه داده و در ایضاح، نقد و احیانا تکمیل آن بکوشم.

نوع آن، یعنی: آزادی کاربرد عقل خویش در امور همه‌گانی به تمام و کمال... کاربرد همه‌گانی عقل خویش را می‌باید آزاد گذاشت و این یگانه ابزاری است که می‌تواند آدمیان را به روشنگری برساند.» (همان، ص ۵۳) در واقع تصویر کانت از روشنگری به لحاظ تاریخی در تجدد در قالب رهایی عقل از مراجع سنتی بوده است و بشر مدرن به تدریج عقل خویش را در همه ابعاد از جمله در فهم و تحقیق سنت و مراجع سنتی به کار برده است.

۲.۱. فردگرایی و لیبرالیسم

فردگرایی را می‌توان با این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات توضیح داد: در اجتماع انسانی، فرد یک مفهوم اساسی و بنیادین است. فرد از شخصیت حقوقی بنیادین مقدم بر جامعه، گروه و دولت برخوردار است. بنابراین، فرد مستقل از جامعه، گروه و خانواده ذاتاً یک شخصیت حقوقی است و دارای یک سلسله حقوق سلب ناشدنی. بر بنیاد این دیدگاه، از فرد و حق وی در برابر جامعه، گروه و دولت دفاع می‌شود، جامعه و به نماینده‌گی آن دولت حق ندارد بر حوزه خصوصی فرد و حقوق وی تجاوز کند. همچنین، منافع گروه و جامعه سبب نمی‌شود که حقوق فرد را سلب کنیم. فرد خودمختار است. خودمختاری فرد به تعبیر کانت به این معنا و مفهوم است که فرد می‌تواند و این قابلیت را دارد که بر اساس عقل عملی خود اراده کند و چیزی جز حکم و اصل عملی ناشی از عقل بر وی حاکم نباشد؛ چیزی که وی از آن به خودآیینی اراده و خودآیینی عقل عملی محض یاد می‌کند. به همین ترتیب از نگاه کانت، فرد خود غایت بالذات باید باشد و باید با او همچون غایت بالذات رفتار کرد، نه چون یک شیء و وسیله. (نقد عقل عملی، ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی، تهران، نورالثقلین، ۱۳۸۰، ص ۵۸، ۷۱ - ۷۲، ۱۴۶ - ۱۴۷) و این اصل به عنوان حکم عقل عملی جایگاه فرد را بیش از پیش تقویت می‌کند. در سطح عمومی‌تر، فراتر از مباحث فلسفی، احترام به علایق، خواسته‌ها و قابلیت‌های فرد و این‌که بتواند قابلیت‌های خویش را پرورش دهد، جزو اصول مهم فردگرایی است. بر اساس این دیدگاه، فرد خود مرجع خویش است به این معنا و مفهوم که بر طبق درک و برداشت خود از

عقل در شناخت طبیعت و اخلاق، باور به توانایی بشر برای پیشرفت و حل مشکلات خود، قابل نقد دانستن همه چیز توسط عقل و این‌که عقل مرجع نهایی است و مرجعی فراتر از عقل که قابل نقد نباشد و انسان آن را با خرد خود موضوع پژوهش و پرسش خود قرار ندهد وجود ندارد، و روش مونت و قابل اعتماد برای کسب معرفت عقل است. در نتیجه این اعتماد به عقل، ملزم ندانستن خود به مرجعی فراتر از عقل و این‌که اصولاً همه پدیده‌هایی که انسان با آن‌ها مواجه‌اند، از بیماری گرفته تا دوردست‌ترین نقاط کیهان و از جمله دین و باورهای دینی مردم به عنوان یک پدیده، قابل تحقیق بوده و توسط عقل می‌توان راز آن را معلوم کرد، رازدایی و اسطوره‌زدایی جزو پروژه‌های مهم عقل‌گرایی مدرن بوده است. عقل‌گرایی مدرن موفق شد که شیوه‌ی نو برای مطالعه طبیعت به وجود آورد، به گونه‌یی که قدرت پیش‌بینی، کنترل و مهار طبیعت را برای بشر به ارمغان آورد. همچنین عقل‌گرایی مدرن در عرصه مدیریت جامعه و زنده‌گی بر تفکیک نقش‌ها، کارآمدی و برنامه‌ریزی عقلانی اتکا می‌کند.

بنیاد فلسفی این نوع نگاه به عقل را به‌خوبی می‌توان در نوشته کانت بزرگ‌ترین فیلسوف روشنگری نشان داد. ایشان در پاسخ به این پرسش که روشنگری چیست، می‌نویسد: «روشن‌نگری، خروج آدمی است از نابالغی به تقصیر خویشتن خود، و نابالغی، ناتوانی در به کارگرفتن فهم خویشتن است بودن هدایت دیگری.» (کانت، «در پاسخ به روشنگری چیست؟»، در: لارنس کهن، از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم، ویراستار ترجمه فارسی، عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰، ص ۵۱)

به باور کانت، این نابالغی خودخواسته است و علت آن کمبود فهم نیست، بلکه کمبود اراده و دلبری در به کارگرفتن آن بودن هدایت دیگری است. لذا به گفته او، شعار روشنگری این است که: «دلبر باش در به کارگرفتن فهم خویش». پس از نگاه کانت، حقیقت روشنگری چیزی جز تصمیم و اراده قاطع به کار بردن آزادانه و نقادانه عقل در جمیع امور نیست. لذا می‌نویسد «برای دستیابی به این روشنگری به هیچ چیز نیاز نیست مگر آزادی؛ تازه آن‌هم به کم‌زیان‌ترین

اتحادیه‌های صنفی خبرنگاران:

هر گونه حمله بر رسانه‌ها، جنایت جنگی شمرده می شود



افغانستان انتظار دارند تا رسانه‌های افغانستان در برابر خشونت و تهدید، سر فرود نیابند و مسوولیت‌های خویش در اطلاع رسانی را همچنان با تعهد و بر اساس معیارهای پذیرفته شده، ادا نمایند.

بر اساس این اعلامیه، رسانه‌ها، مربوط به اطراف جنگی نبوده و نهادهای ملکی هستند. در صورتی که طالبان یا گروه‌های دیگر هر گونه اعتراضی از عملکرد رسانه‌ها دارند، طریقه‌های متعارف برای ابراز این اعتراضات وجود دارد؛ اما هرگونه حمله بر رسانه‌ها و خبرنگاران، جنایت جنگی شمرده می‌شود.

در این اعلامیه گفته شده است: ما اعلام می‌داریم که در صورت ادامه این گونه تهدیدها و آسیب رسیدن به رسانه‌ها و خبرنگاران از سوی طالبان و هر گروه دیگری، ناگزیر در گام نخست به تحریم اخبار آنان پرداخته و در قدم‌های بعدی، تصامیم دیگری اتخاذ خواهیم کرد.

بربنیاد این اعلامیه، جامعه رسانه‌ی افغانستان، تعهد خویش را بر ارزش‌های دموکراتیک و معیارهای حرفه‌ی تأکید کرده و خود را مکلف به رعایت معیارهای مسلکی از جمله حفظ بی‌طرفی و تعادل در بخش و نشر اطلاعات می‌داند. ما از دولت افغانستان و نهادهای ملی و بین‌المللی مرتبط تقاضا داریم تا به حمایت گسترده از رسان‌های افغانستان و کارمندان آنها پرداخته و حفظ امنیت آنان را در اولویت خویش قرار دهند. همچنان، اتحادیه رادیو-تلویزیون‌های افغانستان در اعلامیه‌ی این تصمیم طالبان را محکوم کرده و آن را غیراسلامی و قانونی خوانده است. در این اعلامیه آمده است که جامعه رسانه‌ی در کنار این دو شبکه قرار دارد.

و نهادهای حامی و صنفی خبرنگاران و رسانه‌ها در افغانستان، این هشدار را محدود به دو رسانه ندانسته؛ بلکه تهدید به خانواده رسانه‌های افغانستان و آزادی بیان که بزرگترین دست‌آورد یک و نیم دهه اخیر است، می‌دانند. در این اعلامیه آمده است: ما باور داریم که مردم

تهدید به حمله و مرگ کرده‌اند. این نهادها دیروز در گردهمایی، ضمن حمایت از شبکه‌های طلوع نیوز و یک، گفته‌اند که تهدید این دو رسانه، به معنای تهدید همه رسانه‌های افغانستان است. آنها در اعلامیه‌ی گفتند: رسانه‌ها، فعالان رسانه‌ی

نهادهای رسانه‌ی در کابل، اقدام اخیر طالبان را محکوم کرده و گفته‌اند که هرگونه حمله بر رسانه‌ها، جنایت جنگی شمرده می‌شود. طالبان به تازه‌گی، در اعلامیه‌ی، تلویزیون‌های یک و طلوع را اهداف نظامی و دشمن خطاب کرده و دفاتر و همه کارمندان این دو رسانه را

وزارت امور داخله:

برنامه حمله شبیه کندز به کابل شایعه است

یک آگاه سیاسی: فعالان مدنی، سیاسی و رسانه‌ی مورد هدف آی‌اس‌آی و شبکه حقانی قرار می‌گیرند

ناحیه نوری

شبکه حقانی و آی‌اس‌آی پاکستان تصمیم دارند عملیات انتحاری و انفجاری متعددی را در کابل انجام دهند.

شماری از آگاهان نظامی می‌گویند: شبکه حقانی و آی‌اس‌آی پاکستان می‌خواهند ضمن ناامن ساختن کابل، برخی از شخصیت‌ها، فعالین مدنی-سیاسی، فعالان رسانه‌ی و کارمندان نهادهای خارجی را ترور کنند.

اما وزارت داخله با رد این ادعا می‌گوید: ما تمام این موارد را شایعه‌ی بیش نمی‌دانم، چرا که ما در این خصوص تحقیقات و عملیات داشتیم و بررسی‌های ما نشان می‌دهد که این مسایل حقیقت ندارد.

به گفته مسوولان این وزارت، وزارت داخله به شمول کارنیزیون، قوماندانی امنیت کابل و سایر نهادهای امنیتی عملیات خود را آغاز کردند و هیچ موردی را دریافت نکردند که این شایعات حقیقت داشته باشد.

این سخنان در حالی ابراز می‌گردد که از چندی بدین سو شایعه‌ی به راه افتاده مبنی بر اینکه گویا حملات گسترده و سازمان یافته‌ی در کابل راه اندازی خواهد شد و طالبان به کمک استخبارات کشور همسایه، سران و بزرگان اقوام را به قتل رسانیده و هرج و مرج وسیعی را که در شهر کندز انجام دادند؛ در کابل نیز راه‌اندازی خواهند کرد.

جاوید کوهستانی آگاه نظامی سیاسی می‌گوید: شکی نیست که شبکه حقانی تصمیم دارد عملیات انتحاری و انفجاری متعددی را در کابل انجام دهد.

وی می‌افزاید: بخش دیگر فعالیت‌های این شبکه و آی‌اس‌آی پاکستان جا به جایی گروهک‌های تروریستی در کمربندهای کابل، افزایش ترور بعضی از شخصیت‌ها، فعالین مدنی-سیاسی؛ فعالان رسانه‌ی

خصوص تحقیقات و عملیات داشتیم و بررسی‌های ما نشان می‌دهد که این مسایل حقیقت ندارد. به گفته معاون سخنگوی این وزارت، پس از شایعات پخش شده مبنی بر اینکه گویا کابل ناامن خواهد شد، وزارت داخله در نقاط مهم و استراتژیک کابل عملیات متعددی را راه‌اندازی کرد.

معاون سخنگوی این وزارت به روزنامه ماندگار گفت: شایعات به راه افتاده مبنی بر اینکه حملات گسترده‌ی در کابل راه اندازی خواهد شد و طالبان سران و بزرگان را ترور خواهند کرد نادرست است. نجیب دانش معاون سخنگوی وزارت داخله می‌گوید: وزارت داخله به شمول کارنیزیون، قوماندانی امنیت کابل و سایر نهادهای امنیتی عملیات خود را آغاز کردند و هیچ موردی را دریافت نکردند که این شایعات حقیقت داشته باشد.

با این حال، عتیق‌الله امرخیل آگاه نظامی نیز شایعات پخش شده در خصوص ناامن ساختن کابل را تبلیغات کشورهای همسایه به خصوص سازمان استخبارات پاکستان می‌داند.

امرخیل می‌گوید: وضعیت کندز با کابل متفاوت است، زیرا کندز معامله شده بود، اما در کابل چند هزار نیروهای امنیتی وجود دارد و غیر ممکن است که حکومت نتواند این گونه برنامه‌ها را قبلاً مهار کند. به گفته این آگاه نظامی، ممکن حملات انتحاری صورت گیرد و برخی از گروه‌ها حملات کوچکی را راه اندازی کنند، اما به هیچ وجه امکان ندارد که حملاتی مانند کندز بالای کابل انجام شود.

او تأکید کرد: اکثر ساکنان شهر کابل اسلحه دارند و اگر فرضاً چنین حملاتی سازمان دهی شود، آنان می‌توانند از خودشان دفاع کنند و اجازه حمله به دشمن را ندهند.

و نهادهای خارجی است. کوهستانی تأکید کرد: شبکه‌های تروریستی وابسته به پاکستان تصمیم دارند اوضاع امنیتی کل افغانستان را خراب کرده و قدرت خودشان را به نمایش بگذارند. به گفته این آگاه نظامی، شبکه‌های استخباراتی به ویژه آی‌اس‌آی پاکستان تبلیغات گسترده‌ی را مبنی بر اینکه حملات بسیار وسیع در کابل انجام شده و در کابل مانند کندز به طور ناگهانی جنگ راه‌اندازی شده و بسیاری از سران و بزرگان به قتل خواهند رسید را به راه انداخته‌اند تا یک نوع بی‌ثباتی در شهر کابل به میان بیاید.

او می‌گوید: در کندز بی‌تفاوتی حکومت سبب شد تا این ولایت سقوط کند و فاجعه به بار بیاید، بخشی از حکومت علاقمند سقوط کندز بودند و همکاری آنان سبب تصرف این ولایت توسط طالبان شد. این آگاه نظامی تأکید کرد: زمانیکه یک هزار طالب از کمربندها بدون آگاهی نهادهای استخباراتی وارد شهر کندز شدند، نشان دهنده دست داشتن افراد تصمیم‌گیر در کندز و مرکز است و هر کس که از سقوط کندز آگاهی داشت و اقدام نکرد، بدون گپ و گوی ستون پنجم است.

او می‌گوید: نهادهای امنیتی این شایعات را نباید نادیده بگیرند؛ بل باید تحقیق کنند که این شایعات از کجا آب می‌خورد و چقدر به حقیقت نزدیک است. کوهستانی با انتقاد از حکومت گفت: نهادهای امنیتی اطمینان داده بودند که شایعات ناامنی در غزنی حقیقت ندارد، شایعات در مورد بدخشان حقیقت ندارد، شایعات در مورد کندز و... حقیقت ندارد، اما مردم شاهد بودند که حقیقت چه بود.

این در حالی است که وزارت داخله می‌گوید: ما تمام این موارد را شایعه‌ی بیش نمی‌دانم، چرا که ما در این

به کمک‌های نظامی روسیه...

افغانستان خواستار افزایش همکاری‌های مشترک دو کشور برای مبارزه با تروریسم در منطقه شده بود. در این ملاقات، دو طرف در مورد اوضاع سیاسی و امنیتی افغانستان، مبارزه با تروریسم و مسائل مربوط به منطقه و جهان گفت‌وگو کردند.

یادآور می‌شود که عبدالرشید دوستم معاون اول رییس‌جمهور افغانستان نیز هفته گذشته با سفر به روسیه خواستار کمک‌های نظامی مسکو در مبارزه با تروریسم به افغانستان شد.

سرگئی شایگو وزیر دفاع روسیه نیز اعلام کرده بود که مسکو مصمم است تا کمک‌ها و حمایت‌های نظامی خود را به افغانستان افزایش دهد.

فشارهای خارجی دلیل...

اسماعیل قاسمیار مشاور روابط بین‌الملل شورای عالی صلح افغانستان اعلام کرد: در صورتی که پاکستان قصد دارد حسن نیت خود را در روند مذاکرات صلح به افغانستان نشان دهد؛ باید از حمایت طالبان دست بردارد. قاسمیار افزود: فشار کشورهای منطقه و بین‌المللی به پاکستان، مقامات اسلام‌آباد را برای میانجیگری در مذاکرات صلح حکومت افغانستان و طالبان وادار کرده است.

عبدالله عبدالله رییس‌اجرای حکومت وحدت ملی در نشست روز دوشنبه شورای وزیران در واکنش به گفته‌های نخست‌وزیر پاکستان در مورد مذاکرات صلح این کشور گفت که اسلام‌آباد باید کمک به طالبان و گروه‌های تروریستی را قطع کند. وی گفت: توقع حکومت وحدت ملی از پاکستان قطع کمک‌ها به طالبان و گروه‌های تروریستی است که همواره ناامنی‌ها در افغانستان را افزایش داده است.

نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان چندی قبل از آمدگی اسلام‌آباد درباره همکاری این کشور برای آغاز و تداوم مذاکرات صلح دولت افغانستان و طالبان مسلح خبر داده بود که این موضوع واکنش‌های بسیاری را از سوی مقامات کابل در پی داشت.



چهار شانس نخست قهرمانی اروپا از دید زیدان



اسطوره فوتبال فرانسه و باشگاه رئال مادرید با توجه به عملکرد تیم‌ها در فصل جاری، چهار تیمی که شانس بالایی برای قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا دارند را اعلام کرد. به گزارش سایت گل، هر چند بایرن مونیخ در فصل جاری آمادگی بسیار بالایی دارد و بسیاری بر این باورند که شانس نخست قهرمانی در سه گانه است اما زین الدین زیدان نظر دیگری دارد.

زیدان در این زمینه گفت: پاری سن ژرمن در فصل جاری تیم بسیار خوبی شده است و این شانس را دارد که قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را به دست آورد. از نظر من، رئال مادرید شانس نخست قهرمانی در فصل جاری لیگ قهرمانان اروپا است و بعد از آنها نیز پاری سن ژرمن بیشترین شانس را دارد. بارسلونا شانس سوم قهرمانی است و می‌تواند در صورت پشت سر گذاشتن رئال و پاری سن ژرمن، جام را بالای سر ببرد و بعد از این سه تیم هم نوبت به بایرن مونیخ می‌رسد.

دنی آلوس:

برزیلی‌ها عصبانیت‌شان را سر

تیم ملی خالی می‌کنند



مدافع برزیلی بارسلونا انتقادات از تیم ملی برزیل را غیرمنصفانه می‌داند.

به گزارش مارکا، در مسابقات انتخابی جام جهانی روسیه در منطقه آمریکای جنوبی، برزیل به مصاف ونزوئلا خواهد رفت. دنی آلوس در کنفرانس مطبوعاتی پیش از بازی گفت: برزیلی‌ها مردمی هستند که عصبانیت خود را از مشکلات موجود در کشور بر سر تیم ملی خالی می‌کنند.

مدافع برزیل در ادامه افزود: در تیررس انتقادات قرار داریم. شایسته همه چیز هستیم ولی نمی‌توانیم خودمان را ثابت کنیم چون همیشه نگران این انتقادات هستیم.

آلوس در دفاع از تیم ملی کشورش اظهار کرد: کاستی‌های برزیل نباید روی تیم ملی تلافی شود. این پیام من است برای کسانی که به تعهد بازیکنان تیم شک دارند و این حرف را تا زمانی که این عقاید وجود داشته باشد، تکرار خواهم کرد. سلسائو به آرامش نیاز دارد تا به نقطه تعادل برسد.

رکورد تاریخی دل بوسکه در میدان دادن به بازیکنان

به گزارش آس، تیم ملی فوتبال اسپانیا دوشنبه شب توانست در خاک اوکراین و در آخرین دیدار مرحله گروهی راهیابی به یورو ۲۰۱۶ مقابل تیم ملی فوتبال این کشور به پیروزی یک بر صفر دست پیدا کند.

تنها گل این دیدار را ماریو گاسپار، مدافع راست لاروخا وارد دروازه اوکراین کرد. بدین ترتیب اسپانیا ۲۷ امتیازی شد و به عنوان تیم صدرنشین راهی مرحله گروهی یورو ۲۰۱۶ در فرانسه شد. اوکراین هم با ۱۹ امتیاز در رده سوم ایستاد را به دیدارهای پلی آف برود.

ماریو گاسپار (ویارنال) و ژاویئر اژیتا (اتلتیک بلبائو)، دو بازیکن جدید تیم ملی اسپانیا بودند که برای نخستین بار در ترکیب لاروخا به میدان رفتند. این دو بازیکن، پنجاه و هشتمین و نهمین بازیکنان جدیدی بودند که ویسته دل بوسکه، سرمربی تیم ملی فوتبال اسپانیا آنها را به تیم ملی دعوت کرده بود. البته حضور این دو در ترکیب اسپانیا بیشتر به دلیل آسیب دیدگی برونو سوریانو و ایناگیو مارتینس بود اما در هر حال، دل بوسکه رکورد جالبی در استفاده از بازیکنان جدید به نامش ثبت کرد.

در همین شرایط نیز بازیکنانی مانند نولیتو، کیکو کاسیا، کاماچو، خوانمی، ویتولو و الیکس ویدال نیز نخستین بازی‌های ملی‌شان را زیر نظر دل بوسکه انجام دادند. سرخیو ریکو، دروازه‌بان سویا هنوز نتوانسته زیر نظر این مربی کهنه کار به میدان برود. او هنوز پشت سد دو دروازه‌بان بزرگ به نام‌های ایگر کاسیاس و داوید دخئا قرار دارد.



سرمربی تیم ملی فوتبال اسپانیا در زمینه میدان دادن به بازیکنان جدید رکوردی از خود به جا گذاشت.

هاجسون:

این موفقیت، دستاوردی تاریخی بود

سرمربی تیم ملی فوتبال انگلیس از عملکرد درخشان تیمش در انتخابی جام ملت‌های اروپا ۲۰۱۶ به عنوان دستاوردی تاریخی یاد کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی DPA، تیم ملی فوتبال انگلیس عملکردی بسیار خوب در انتخابی جام ملت‌های اروپا ۲۰۱۶ داشت. شاگردان روی هاجسون در آخرین دیدار خود موفق شدند که با نتیجه سه بر صفر برابر لیتوانی به پیروزی برسند تا با ۱۰ پیروزی و با اقتدار به دور بعد راه یابند.

روی هاجسون در مورد پیروزی تیمش گفت: دستاوردی تاریخی و بزرگ بود. از عملکرد شاگردانم بسیار خوشحال هستم. برای رسیدن به این جایگاه تلاش بسیار زیادی داشتیم. سطح کیفی تیم ما بسیار خوب بود. کسب پیروزی، آن هم در ۱۰ بازی پیاپی، اصلاً آسان نبود و باید به این تیم افتخار کرد.

هاجسون ادامه داد: بازیکنان تیم ملی فوتبال انگلیس نمایش خیره کننده‌ای در دور انتخابی داشتند و الان نوبت آن است که برای بازی‌های حساس در فرانسه، خودمان را آماده کنیم. در آخرین بازی خود هم نمایش خوبی داشتیم و شایسته کسب پیروزی بودیم. نشان دادیم که تیمی خوب هستیم و می‌توانیم در بازی گروهی موفق باشیم. امیدوارم که در آینده هم عملکرد خوبی نشان دهیم و دل هوادارانمان را شاد کنیم.



کوفی عنان در فیفا

به گزارش آس، فساد و رسوایی فدراسیون فوتبال جهان در بر گرفته است. افراد این سازمان هر روز متهم به فساد می‌شوند. در تازه‌ترین رسوایی‌ها، سب بلاتر رییس فیفا متهم به دادن رشوه به میشل پلاتینی همتای خود در یوفا شد و پس از چند روز، کمیته اخلاق فیفا هر دو شخص را به مدت ۹۰ روز از انجام فعالیت‌های فوتبالی محروم کرد.

با این اتفاقات و انتخابات پیش رو، از جانشینان احتمالی بلاتر صحبت می‌شود. خواکین ماروتو، روزنامه نگار نشریه آس اسپانیا معتقد است «کوفی عنان» گزینه مناسبی برای ریاست فیفا است.

دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد که ۷۷ ساله است، هنوز توانایی هدایت کردن یک سازمان معتبر را دارد. عنان که طرفدار رئال مادرید است، اگر بخواهد ریاست فیفا به عهده بگیرد از حمایت شورای اروپا برخوردار خواهد بود.

ستاره برزیلی آبی‌وآرانی‌ها در این باره اظهار داشت: از زمانی که سنی پابین تر داشتم، همیشه به مسوولیت‌پذیری عادت داشتم، چه زمانی که با پیراهن سانتوس بازی می‌کردم چه با پیراهن برزیل، ولی اوضاع در بارسلونا متفاوت است. ما به خوبی به مسوولیت‌هایی که به ما سپرده شده واقف هستیم و باید آنها را در زمین به آنها عمل کنیم. برای همین هر کاری که از دستم بر بیاید انجام خواهم داد تا در این راه به هم‌تیمی‌هایم کمک کنم.

نیمار در تکمیل صحبت‌های خود عنوان کرد: حتی با وجود اینکه می‌دانم کار دشواری در پیش دارم، ولی از این چالش‌هایم هراسی ندارم. مسی حالا شرایط بهتری دارد. لئو دچار مصدومیت حساسی شده است، ولی ظاهراً فرایند ریکاوری‌اش خوب پیش می‌رود.

انجام داده، او شایسته کسب این عنوان است. وی افزود: امیدوارم خودم هم از بازی در کنار مسی پیشرفت کنم. او بهترین است و الگویی برای من به شمار می‌رود. اگر به یادگیری‌ام ادامه بدهم شاید روزی هم من توپ طلا را بردم. البته که دوست دارم امسال نامم در بین سه کاندیدای نهایی کسب عنوان بهترین بازیکن جهان باشد و اگر این اتفاق رخ دهد، فوق‌العاده خواهد شد.

لیونل مسی، مهاجم آرژانتینی بارسا در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۵ در پیروزی ۲ بر یک این تیم مقابل لاس‌پالماس از ناحیه زانوی راست مصدوم شد و به مدت هشت هفته از مبادین به دور خواهد بود. نیمار می‌گوید که آماده است تا تبدیل به نقطه کانونی بارسلونا در خط حمله شود.

مهاجم برزیلی بارسلونا هم‌تیمی آرژانتینی خود را شایسته کسب عنوان بهترین بازیکن جهان در سال ۲۰۱۵ می‌داند.

لیونل مسی که فصل گذشته کمک شایانی به بارسلونا برای تصاحب سه‌گانه قهرمانی اسپانیا و اروپا کرد و اخیراً هم با آرژانتین تا فینال مسابقات جام ملت‌های آمریکای جنوبی موسوم به کوپا آمریکا رسید، شانس بالایی برای کسب عنوان بهترین بازیکن جهان در سال ۲۰۱۵ دارد.

نیمار که خود دوست دارد نامش در بین سه کاندیدای نهایی کسب توپ طلای امسال فیفا قرار بگیرد، در این خصوص به روزنامه «موندو دپورتیوو» چاپ کاتالونیا گفت: به نظر می‌رسد مسی شانس اول کسب این عنوان است و توپ طلای امسال برای مسی، بهترین بازیکن جهان رزرو شده است. به خاطر تمامی کارهایی که لئو

نیمار: مسی الگویی است

نیمار:

برگزاری رزمایش مشترک دریایی هند، امریکا و جاپان

به گزارش خبرگزاری رویترز، آخرین باری که دهلی نو میزبان رزمایشی چندملیتی در آب‌های خود بود به سال ۲۰۰۷ باز می‌گردد که باعث خشم و نگرانی چین شد.

اما نارندرا مودی، نخست وزیر هند این روند را بیشتر راهی برای تقویت سیاست امنیتی کشور می‌داند و به دنبال تقویت روابط با امریکا و جاپان و همچنین از میان بردن تنش‌های مرزی با چین است. امریکا ناو هواپیمابری تئودور روزولت و یک زیردریایی اتمی را در این رزمایش یک هفته‌ای به کار گرفته است.

سخنگوی نیروی دریایی هند گفت: این رزمایش‌ها شامل عملیات مقابله با دزدان دریایی، استقرار بر روی کشتی، جستجو و کمک‌های بشردوستانه و همچنین مقابله با بلاهای طبیعی است. این تصمیم از سوی هند برای گسترش فعالیت‌های نظامی چند روز پس از آن اتخاذ شد که یکی از مقام‌های پنتاگون گفت وزارت دفاع امریکا به دنبال بررسی حضور ناوهای خود در نزدیکی جزایر مصنوعی چین در دریای چین جنوبی است.

وی ادامه داد: استرالیا و برخی از کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا نیز تمایل خود را برای پیوستن به این رزمایش اعلام کرده‌اند.

هند اگرچه خود در درگیری‌ها در دریای چین جنوبی امتناع کرده اما در کنار امریکا ایستاده تا از آزادی کشتی رانی در این منطقه حمایت کند.

توکيو نیز در این رزمایش‌ها حضور دارد و در سال‌های اخیر حضورش به شدت به چشم می‌خورد.



یکی از منابع دولتی هند در حالی اعلام کرد که این کشور قرار است هر ساله به همراه امریکا و جاپان رزمایش دریایی برگزار کند که نخستین این رزمایش‌ها در خلیج بنگال آغاز شده است و اقدامی است که احتمالاً باعث نگرانی دولت چین می‌شود.

مرکل:

بحران آوارگان فقط با ایجاد مناطق ترانزیتی حل نمی‌شود

ادامه کنترل در مرزهای کشور

به نظر می‌آید که کنترل در مرزهای آلمان که از اواسط سپتامبر آغاز شده است، تا اوایل نوامبر ادامه می‌یابد.

به گزارش سایت خبری «شیپگل»، توماس دیمزیر، وزیر داخله آلمان فدرال این مساله را به اطلاع دیمیتریس اوراموپولوس، کمیسار امور داخلی اتحادیه اروپا رسانده است.

شیپگل به نقل از نامه دیمزیر به کمیسار اتحادیه اروپا می‌نویسد که به دلیل «سرازمی‌عظیم، بدون کنترل و تقریباً بدون کاهش مهاجران» و «لزوم تامین امنیت و نظم» آلمان به کنترل مرزها ادامه می‌دهد.

این سایت خبری در ادامه به نقل از دیمزیر می‌نویسد که توجه اصلی معطوف مرز آلمان با اتریش می‌باشد. بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا که عضو توافق‌نامه شینگن هستند، کنترل جامع مرزها فقط در موارد استثنایی صورت می‌گیرد.

اتحادیه حزب سوسیال مسیحی بایرن ایجاد مناطق ترانزیتی برای آوارگان را راهی برای کنترل سرازیری آن‌ها به آلمان می‌داند. صدراعظم آلمان در این مورد آن قدر مطمئن نیست. او نظرش را در این باره به طور صریح بیان کرده است.

به نظر انگلا مرکل، صدراعظم آلمان و رییس حزب اتحادیه دموکرات مسیحی، ایجاد مناطق ترانزیت مشکل شمار رو به افزایش آوارگان را حل نمی‌کند. انگلا مرکل در جلسه‌یی که از سوی اتحادیه دموکرات مسیحی آلمان برگزار شده بود، گفت ایجاد مناطق ترانزیتی مانع آمدن چندین هزار آواره نخواهد شد. اما او افزود که پناهجویانی را که اسناد شان را دور انداخته‌اند و حاضر به کمک در تعیین هویت شان نیستند، می‌توان تا رسیدگی به تقاضاهای شان در این مناطق جای داد. این نخستین بار است که صدراعظم آلمان به صراحت راجع به موضوعی صحبت می‌کند که ائتلاف برسر قدرت در آلمان در مورد آن اختلاف نظر دارد.

پیش از این طبق گفته‌های هورست زیهوفر، نخست وزیر ایالت بایرن، دو حزب خواهری متشکل از اتحادیه‌های سوسیال مسیحی بایرن و دموکرات مسیحی آلمان درباره ایجاد مناطق ترانزیتی برای آوارگان در سر مرزها به توافق رسیده بودند. قرار است که در همین هفته به این منظور یک طرح مشخص تدوین گردد.

سیاستمداران می‌خواهند با ایجاد مناطق ترانزیتی در مرزهای زمینی رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی پیش از ورود به کشور را امکان پذیر سازند. در میدان‌های هوایی آلمان از چنین روشی استفاده می‌شود.

این طرح برای افرادی در نظر گرفته شده است که تقاضاهای پناهندگی شان طبق نخستین ارزیابی غیرمجاز و یا به وضوح بی اساس است. هدف این است که جلو ورود آن‌ها به کشور به این ترتیب گرفته شده و امکان عودت آن‌ها وجود داشته باشد.

نگرانی‌های حزب سوسیال دموکرات آلمان

اما هایکو ماس، وزیر عدلیه آلمان فدرال این طرح‌ها را رد کرد و گفت که با این کار فقط کمپ‌های عظیم آوارگان در مناطقی ایجاد می‌شود که متعلق به هیچ کشوری نیست.

ماس در مصاحبه با روزنامه آلمانی «زود دویچه سایتونگ» تسریع روند ثبت مشخصات آوارگان را ضروری خواند، اما او افزود: «در قید نگاه داشتن ده‌ها هزار آواره در مرز، نه تنها به حل مشکلات کمک نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد مشکلات بیشتری می‌شود.» به عقیده وزیر عدلیه آلمان فدرال این پیشنهاد در عمل غیرقابل انجام است و در قید نگاه داشتن انسان‌هایی که به خاطر جنگ و خونریزی از کشورشان فرار کرده‌اند، پیام شومی است.



ثروت داعش به ۲۲۰۰ میلیارد

دالر رسیده است»

«یک مرکز پژوهشی در فرانسه مدعی شد که ثروت گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به مبلغ هنگفتی در حدود ۲۲۰۰ میلیارد دالر رسیده است.

به گزارش هفته نامه فرانسوی چلنج، مرکز «تحلیل مسائل تروریسم» که در سال ۲۰۱۴ شروع به کار کرده، مدعی شده ثروت گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در حدود ۲۲۰۰ میلیارد دالر است و این گروه تروریستی ظرف تنها یک سال ۲۰۰ میلیارد دالر بر دارایی‌های خود افزوده است.

ثروت مذکور مربوط به دارایی‌های منقول و غیر منقول، ذخایر نفت و گاز و دیگر دارایی‌هایی است که داعش توانسته بر آنها سیطره یابد. اکنون فروش نفت تنها منبع درآمد داعش نیست و مالیات‌های اجباری بر درآمد ساکنان مناطق تحت اشغال داعش نیز پول زیادی را روانه خزانه این گروه می‌کند.

تنظیم کنندگان این گزارش می‌گویند که این ثروت هنگفت مربوط به کنترل روز افزون این گروه تروریستی بر مساحت‌های بیشتری از خاک سوریه است به ویژه که در سپتامبر گذشته میدان‌های نفتی جدیدی را تصرف کرد و به این ترتیب ۸۰ درصد از تولید نفت در سوریه و ۱۰ درصد تولید آن در عراق را به دست گرفته است. در ادامه این گزارش آمده است: با این حال درآمدهای نفتی این گروه تروریستی به دلیل بمباران‌های ائتلاف آمریکایی که مانع از انتقال طلای سیاه می‌شود، به نصف رسیده و به این ترتیب اکنون مالیات منبع نخست درآمد داعش است و از ۳۶۰ میلیون دالر به یک میلیارد دالر افزایش یافته است.

طبق آماري که این مرکز ارائه کرده، داعش تنها در استان نینوی عراق که شامل شهر موصل، مرکز این استان نیز می‌شود، ۵۰ درصد از حقوق کارمندان که تعدادشان به ۶۰ هزار تن می‌رسد را به عنوان مالیات برمی‌دارد که این مالیات اجباری سالانه درآمدی در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دالر را عاید «تشکیلات خلافت» می‌کند. بنا بر این گزارش، در حدود ۵ تا ۱۰ درصد واردات پنبه ترکیه از مزارع غرب سوریه تامین می‌شود که داعش کنترل این مناطق را در دست دارد. این گروه تروریستی از طریق فروش گاز، گندم و قاچاق مواد مخدر نیز درآمدهایی کسب می‌کنند. همه اینها علاوه بر مبالغی است که داعش از سوی حامیان خود دریافت می‌کند. سازمان ملل نیز به تازگی در گزارشی که در ماه اوت گذشته منتشر شده اعلام کرد «داعش به صورت سازمان یافته و با قیمت‌های مشخص دست به قاچاق انسان می‌زند. کودکان کمتر از ۱۰ سال ۱۵۰ یورو، نوجوانان ۱۱۰ یورو و زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله ۷۰ یورو توسط این گروه به فروش می‌رسند. این قیمت‌ها با سن پایین که سوء استفاده و شستشوی مغزی را آسان‌تر می‌کند، تعیین می‌شوند.»

حمایت پاکستان

از «جنگ ترکیه علیه تروریسم»

فرمانده کل ارتش پاکستان حمایت کامل خود را از «جنگ ترکیه علیه تروریسم» اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی ارتش پاکستان، راحیل شریف، فرمانده کل ارتش این کشور در دیدار با خلوصی آکار، همتای ترکیه‌ای خود گفت: پاکستان برادرانه در کنار ترکیه است. دو کشور با چالش‌هایی برای ایجاد ترس و ارعاب در کشور مواجه هستند اما من مطمئن هستم که می‌توانیم با یک رویکرد مشترک و منسجم با این چالش‌ها مقابله کنیم. ما حمایت ثابت و مصمم خود را از مبارزه ترکیه با تروریسم اعلام می‌کنیم.

وی هم چنین همدردی خود را با بازماندگان حادثه تروریستی اخیر در آنکارا که به کشته شدن بیش از ۹۰ تن منجر شد، اعلام کرد.

این دو مقام نظامی درباره تسهیل همکاری‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

فرمانده کل ارتش پاکستان در بدو ورود به ترکیه با رژه نیروهای زمینی ترکیه مورد استقبال قرار گرفت. سپس وی از آرامگاه کمال آتاتورک، بنیادگذار ترکیه نوین بازدید کرده و به وی ادای احترام کرد.